



زمستان سرد و فقر خانواده‌ها!

بیماری‌های فصلی در هرات جان صدها کودک را تهدید می‌کند



گسترش دامنه فقر و سردی بیش از حد هوا زمستان را برای شهروندان کشور به یک چالش جدی بدل کرده است. سرما و نبود امکانات کافی برای گرمایش خانه‌ها، سبب شده که شیوع بیماری‌های فصلی در ولایت‌های سردسیر کشور افزایش یابد. هرات در شمال غرب کشور از ولایت‌های سردسیر است که در زمستان امسال گواه بیشترین شمار قربانیان ناشی از سرما بوده است.



۱۴ قتل در پنج روز!

شهروندان از گسترش دامنه ناامنی نگران‌اند

اعتراضات زنان و دگرگونی تاریخ مذكر

سیگار:

طالبان به دنبال مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری و تطبیق پروژه‌های اداره انکشافی امریکا هستند



SIGAR | SPECIAL INSPECTOR GENERAL FOR AFGHANISTAN RECONSTRUCTION

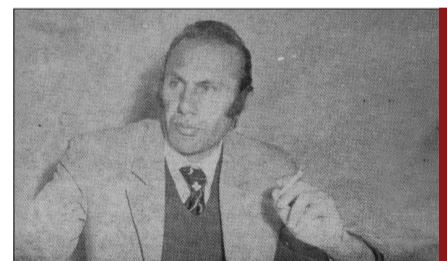
در این میان، اکثریت سازمان‌های امدادرسان به شمول شاخه‌های مهمی از سازمان ملل مانند صندوق حمایت از کودکان (UNICEF)، سازمان بهداشت جهانی (WHO)، برنامه غذایی جهان (WFP) و بسیاری از سازمان‌های امدادرسان غیردولتی ملی و بین‌المللی، آماده شدند تا با شعار «ما می‌مانیم و کمک می‌رسانیم» در افغانستان بمانند و به کار ادامه دهند. تعامل رژیم طالبان با این سازمان‌ها عمدتاً ادامه رویکردی بود که در اواخر دولت غنی بین سازمان‌های امدادرسان و طالبان شکل گرفته بود. براساس این رویکرد، سازمان‌ها اجازه داشتند با رعایت اصول وضع‌شده توسط طالبان و کسب اجازه‌نامه از «کمیسون شرکت‌ها و موسسات» که در هر ولایت و ولسوالی نماینده داشت، کارمندان خویش را به ساحات تحت کنترل این گروه فرستاده و پروژه‌ها را اجرا کنند. سیگار پیش از این نیز گفته بود که کمک‌های امریکا به افغانستان، چه ماهیت بشردوستانه داشته باشد و چه از نوع دیگر، ممکن است ناخواسته به طالبان مشروعیت دهد.

بزرگ‌ترین فعالیت صحت‌اش در ولایت هرات را به دلیل اختلاف با طالبان متوقف کرده است. سیگار به نقل از وزارت امور خارجه امریکا علاوه کرده است که سازمان‌های غیردولتی حامی برنامه واکنش اضطراری صحتی صندوق امانات بازسازی افغانستان به دلیل‌های مشابه در این سه ماه کار خود را در ۱۰ ولایت متوقف کرده‌اند. گفتنی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، ارتباطات دیپلماتیک میان این گروه و تقریباً تمام کشورهای دنیا قطع شد و در اثر آن، کمک‌های بین‌المللی که بیشتر به هدف پیش‌برد امور انکشافی به افغانستان می‌رسید، توقف یافته است.

۸ صبح، کابل: اداره بازرسی ویژه امریکا در امور بازسازی افغانستان (سیگار) گفته است که طالبان خواستار تفاهم‌نامه‌های امضاشده و مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری و تطبیق پروژه‌ها هستند. سیگار روز یکشنبه، ۱۶ دلو، با نشر گزارش تازه‌اش به نقل از اداره انکشافی بین‌المللی ایالات متحده امریکا نوشته است که طالبان ورود از قبل اعلام‌نشده‌شان به دفترهای نهادهای همکار در بخش تطبیق پروژه‌ها را افزایش داده‌اند و خواستار معلومات در مورد پلان کاری، بودجه، عملیات و افراد شده‌اند. در گزارش آمده است که هرچند بیشتر این اقدامات مانع علنی شدن اکثر پروژه‌های اداره انکشافی امریکا نشده، اما این نهاد

از رویای شاعر تا سفر در توفان

آن‌گونه که در کتاب «سفر در توفان» آمده است، محمود فارانی در ۱۶ دلو ۱۳۱۷ در شهر کابل چشم به جهان گشود. امسال به نردبان هشتاد و چهار ساله‌گی گام گذاشته است.



مالله یوسفزی:

پشتون‌ها در افغانستان و پاکستان توسط یک «گروه تروریستی» متحمل آواره‌گی و مرگ شده‌اند



حمله جبهه مقاومت ملی بر پاسگاه طالبان در پروان؛ دو طالب کشته شدند



۸ صبح، پروان: جبهه مقاومت ملی از حمله بر یک پاسگاه طالبان در ولایت پروان خبر می‌دهد. یک منبع معتبر در جبهه مقاومت ملی که از ذکر نامش در خبر خودداری می‌کند، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که این حمله شنبه شب، ۱۵ دلو، در منطقه تاجیکان ولسوالی جبل‌السراج صورت گرفته است. به گفته منبع، در پی این رویداد دست‌کم دو جنگ‌جوی طالب کشته و چهار نیروی دیگر این گروه زخمی شده‌اند. منبع تاکید کرده که در این حمله به نیروهای جبهه مقاومت ملی آسیبی نرسیده است. منابع محلی نیز وقوع درگیری در این منطقه را تایید کرده‌اند. طالبان تاکنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. پیش از این نیز جبهه مقاومت ملی به رهبری احمد مسعود، بالای مواضع طالبان در ولسوالی جبل‌السراج ولایت پروان حمله‌های چریکی انجام داده و به طالبان تلفات وارد کرده‌اند.

برف‌باری سنگین شاهراه کابل - غور را مسدود کرد

۱۶ دلو، شاهراه کابل - غور در ساحه کوتل بک مسدود شده است. گفته می‌شود که برف‌باری سنگین همچنان راه‌های شش ولسوالی این ولایت را به روی رفت‌وآمد مسدود کرده است.

۸ صبح، غور: منابع محلی در ولایت غور از مسدود شدن شاهراه کابل - غور در اثر برف‌باری سنگین خبر می‌دهند. منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که در اثر برف‌باری سنگین، پس از ظهر یکشنبه،

طالبان با تایید این خبر از باشنده‌گان این ولایت خواسته‌اند که تا خوب شدن هوا از این مسیرها رفت‌وآمد نکنند. گفتنی است که بارش برف در هفته‌های اخیر باعث مسدود شدن شماری از شاهراه‌های کشور شده است.



ملاکه یوسفزی: پشتون‌ها در افغانستان و پاکستان توسط یک «گروه تروریستی» متحمل آواره‌گی و مرگ شده‌اند



۸صبح، کابل: ملاکه یوسفزی، برنده جایزه صلح نوبل، می‌گوید که در سراسر افغانستان و پاکستان، مردم پشتون به دست یک «گروه تروریستی» که شست‌وشوی مغزی شده است، متحمل ضرب‌وشتم، آواره‌گی و مرگ شده‌اند.

ملاکه یوسفزی روز یکشنبه، ۱۶ دلو، با نشر مقاله‌ای در روزنامه دان پاکستان در واکنش به سخنان اخیر منیر اکرم، نماینده دایمی پاکستان در سازمان ملل متحد، نوشته است: «من به‌عنوان یک زن پشتون، یک پاکستانی و یک مسلمان، باید به‌شدت مخالف باشم. سفیر که از آن زمان به دلیل اظهارات خود عذرخواهی کرده است، تلاش کرد تا تصویر زن‌ستیزی غیرانسانی را که زنان افغان با آن روبه‌رو هستند، به فرهنگ پشتون منتقل کند، در حالی که طالبان ممکن است ایمان و میراث خود را در راستای اهداف خود بیچینند. آن‌ها به تنهایی مسوولیت نقض فاجعه‌بار حقوق زنان در کشوری را که تحت کنترل خود دارند، برعهده دارند.»

او افزوده است که به‌عنوان یک زن پشتون پاکستانی و مسلمان، با اظهارات نماینده ویژه پاکستان در سازمان ملل متحد درباره پشتون‌ها مخالف است.

نام‌برده افزوده است: «در سراسر مرز افغانستان، بسیاری از زنان و مردان پشتون، با قومیت‌های تاجیک، هزاره، اوزبیک و دیگر قومیت‌ها، دهه‌ها را صرف ساختن شبکه‌های مکاتب دخترانه و سازمان‌های مدافع حقوق زنان کردند. آن‌ها از جمله کسانی‌اند که هنوز جان خود را برای اعتراض در خیابان‌های کشورشان به خطر می‌اندازند. آن‌ها نسلی از دختران را پرورش داده‌اند که تا زمانی که حقوق‌شان - کار کردن، بازی کردن، یادگیری و مسافرت - سلب می‌شود، سکوت نخواهند کرد.»

یوسفزی همچنان نگاهشده است: «من ادعا نمی‌کنم که جوامع پشتون کاملاً عادلانه‌اند. مانند بسیاری از نقاط دیگر جهان، زنان و دختران ما هنوز با موانع

بالایی روبه‌رویند. تعداد دختران خارج از مکتب بیشتر از پسران است. بسیاری از دختران مجبور به ازدواج زود هنگام می‌شوند. اغلب، زنان به‌عنوان شهروندان درجه دوم در نظر گرفته می‌شوند.»

برنده جایزه نوبل در این مقاله از برخورد سیاست‌مداران پاکستان در قبال افغانستان نیز انتقاد کرده و می‌گوید که در دو سال گذشته، با بسیاری از رهبران پاکستان در مورد چگونه‌گی کمک به زنان و دختران افغانستان صحبت کرده است و به نظر می‌رسد که تعدادی از آن‌ها در برابر وضعیت بی‌تفاوت‌اند.

او می‌گوید: «در سپتامبر ۲۰۲۱، پس از سقوط کابل به دست طالبان، یک مقام پاکستانی به وی گفته است که افغانستان اکنون صلح‌آمیزتر از قبل است.» ملاکه گفته است: «من در پاسخ از این مقام پاکستانی پرسیدم: صلح‌آمیز برای چه کسی؟ او در ادامه تأکید کرده که مطمئن است افغانستان برای دختران و زنانی که حق آموزش و کار خود را از دست داده‌اند، صلح‌آمیز نیست.»

این گفته‌های ملاکه یوسفزی در حالی بیان می‌شود که نماینده ویژه پاکستان در سازمان ملل روز چهارشنبه هفته گذشته در نشست سازمان ملل در جنیوا گفت: «محدودیت‌هایی که از طرف حکومت موقت افغانستان وضع شده، از نظر ما زیاد جنبه دینی ندارد، بلکه در فرهنگ خاص پشتون‌ها ریشه دارد که زنان را ملزم به نشستن در خانه می‌کند. این یک واقعیت فرهنگی متفاوت افغانستان است که برای صدها سال تغییر نکرده است.»

این اظهارات اکرم با واکنش‌های شماری از سیاست‌مداران افغانستان مواجه شده و پس از آن او دیدگاه خود را پس گرفت و عذرخواهی کرد.

این در حالی است که با گذشت بیش از یک سال از سلطه مجدد طالبان در افغانستان، این گروه بر آموزش، تحصیل و کار زنان محدودیت‌های زیادی وضع کرده است.

دو کارمند کمیته سویدن در ننگرهار ناپدید شده‌اند



۸صبح، ننگرهار: منابع محلی در ننگرهار می‌گویند که دو کارمند کمیته سویدن برای افغانستان در ولسوالی سپین‌غر این ولایت ناپدید شده‌اند.

یک منبع معتبر که نتخواست هويتش فاش شود، روز یکشنبه، ۱۶ دلو، به روزنامه ۸صبح گفت که دو مددکار اجتماعی کمیته سویدن که در زمینه بازسازی کار می‌کردند، از مربوطات ولسوالی سپین‌غر ناپدید

کمیساریای عالی پناهنده‌گان: ممنوعیت کار زنان،

میلیون‌ها زن را از دریافت کمک بشردوستانه محروم می‌کند

۸صبح، کابل: کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گان می‌گوید که با ممنوعیت کار زنان در نهادهای مددکاران، میلیون‌ها زن افغان از دریافت کمک‌های بشردوستانه باز می‌مانند.

کمیسیاریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گان روز یکشنبه، ۱۶ دلو، با نشر توییتی بار دیگر بر اهمیت حضور کارمندان زن برای رساندن کمک‌های بشردوستانه به زنان و کودکان، تأکید کرده است.

این نهاد اضافه کرده است که امسال سردترین

عربستان سعودی به سرپرست وزارت حج و اوقاف طالبان ویژه نداد

۸صبح، کابل: منابع می‌گویند که عربستان سعودی از صدور ویزه به نورمحمد ثاقب، سرپرست وزارت حج و اوقاف طالبان، خودداری کرده است.

یک منبع معتبر دیپلماتیک روز یکشنبه، ۱۶ دلو، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که از تصمیم ریاض برای عدم صدور ویزه به سرپرست وزارت حج و اوقاف طالبان سه هفته می‌گذرد.

به گفته منبع، قرار بود نورمحمد ثاقب برای اشتراک در یک سیمینار پنج‌روزه به عربستان سعودی برود.

ظاهراً قرار بود در این سفر قرارداد انتقال ۳۰ هزار متقاضی حج از افغانستان به عربستان سعودی در سال آینده نیز میان سرپرست وزارت حج و اوقاف طالبان و مقام‌های سعودی امضا شود.

به گفته منبع، در آستانه این سفر، طالبان دروازه دانشگاه‌ها را به‌روی دختران بستند و بنابراین، عربستان سعودی نیز از دادن ویزه به نورمحمد ثاقب خودداری کرده است.

قرارداد انتقال متقاضیان حج را نیز به‌جای ثاقب، عبدالولی حقانی، رییس مالی و اداری وزارت حج و اوقاف طالبان، با مقام‌های سعودی امضا کرد.

وزارت حج و اوقاف طالبان تاهنوز در مورد خود داری عربستان سعودی از صدور ویزه به سرپرست این وزارت، چیزی نگفته است.

این در حالی است که سفارت عربستان سعودی در کابل نیز روز چهارشنبه هفته گذشته تخلیه شد. گفته می‌شود که این تصمیم ریاض نیز در واکنش به سیاست‌های زن‌ستیزانه طالبان اتخاذ شده است.



بدر شدن وضعیت حقوق بشری در افغانستان؛

ویست خواستار حمایت بیشتر از بنت شد

۸صبح، کابل: توماس ویست، نماینده ویژه امریکا برای افغانستان، خواستار حمایت‌های بیشتر از کار ریچارد بنت، گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل برای افغانستان شده است.

نماینده ویژه امریکا برای افغانستان شنبه‌شب، ۱۵ دلو، در رشته توییت‌هایی گفته که در ادامه سفر شش‌روزه‌اش به سوئیس رسیده است.

ویست گفته که در شهر جنیوا با نماینده‌گان سازمان صحتی جهان، سازمان بین‌المللی مهاجرت و مسوولان سفارت امریکا در سوئیس روی موضوعات مربوط به افغانستان دیدار و گفت‌وگو کرده است.

توماس ویست گفته است: «همچنان با کارکنان دفتر گزارشگر شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور افغانستان در تماس هستیم. با بدر شدن وضعیت حقوق بشر، به‌ویژه وضعیت زنان و دختران، ما باید از کار او حمایت کنیم.»

نماینده ویژه امریکا برای افغانستان تأکید کرده که سیاست‌های طالبان ارسال کمک‌های بشردوستانه به میلیون‌ها تن را تهدید می‌کند.

توماس ویست هفته گذشته یک دور سفر شش‌روزه را در پیوند به مسائل افغانستان به پاکستان، سوئیس و آلمان آغاز کرد.



۱۴ قتل در پنج روز؛

شهروندان از گسترش دامنه نامنه نگران اند

بر اساس گزارش‌ها غزنی در یک ماه گذشته گواه هفت مورد رهنی مسلحانه بوده که به قتل افراد منجر شده است. در تازه‌ترین مورد جسد فردی به نام افتخار احمد از ساحه «سمندقلعه» ولسوالی مقر این ولایت پیدا شده است. منابع محلی می‌گویند که این فرد داکتر بوده و سه روز پیش (۱۴ دلو) با یک عراده موتر نوع «فلدر» مفقود شده بود. موتر این باشنده غزنی به سرقت رفته و عاملان این رویداد هنوز شناسایی نشده‌اند.

فہیم امین

پایتخت و بزرگ‌شهرهای کشور در کنار بحران اقتصادی، نبود نظام سیاسی و فقدان حکومت رسمی، با عالمی از چالش‌های امنیتی مواجه‌اند. قتل‌های مرموز، اختطاف، سرقت‌ها و رهنی‌های مسلحانه از عمده‌ترین مواردی‌اند که این روزها امنیت جان و مال شهروندان را تهدید می‌کند. کابل، غزنی، بلخ، بدخشان، جوزجان و سمنگان از ولایت‌هایی‌اند که در کمتر از یک هفته گذشته گواه ۱۴ مورد قتل مسلحانه بوده‌اند. براساس نوعیت قتل و اظهارات منابع محلی، شماری از این افراد از سوی دزدان و شماری هم از سوی افراد مسلح ناشناس کشته شده‌اند. هرچند این رویدادها از شهروندان قربانی می‌گیرد و خانواده‌های زیادی را در گلیم غم می‌نشانند، اما علت بیشتر این دست قتل‌ها ناروین باقی می‌ماند. با این وصف، شهروندان کشور از گسترش دامنه نامنه زیر حاکمیت طالبان نگران‌اند. آنان طالبان را در تأمین فضای امن در کشور به ناکامی متهم می‌کنند و می‌گویند که نظم شهرها نیازمند درایت بیشتری است که از توان رژیم حاکم خارج است. طالبان اما از تلاش‌ها برای کنترل وضعیت خبر می‌دهند؛ تلاش‌هایی که در بیش از یک‌ونیم سال گذشته نتیجه مثبتی در کاهش سطح جرایم، نداشته است.

براساس گزارش‌ها غزنی در یک ماه گذشته گواه هفت مورد رهنی مسلحانه بوده که به قتل افراد منجر شده است. در تازه‌ترین مورد جسد فردی به نام افتخار احمد از ساحه «سمندقلعه» ولسوالی مقر این ولایت پیدا شده است. منابع محلی می‌گویند که این فرد داکتر بوده و سه روز پیش (۱۴ دلو) با یک عراده موتر نوع «فلدر» مفقود شده بود. موتر این باشنده غزنی به سرقت رفته و عاملان این رویداد هنوز شناسایی نشده‌اند.

از این پیش جسد یک جوان دیگر پس از چاشت روز جمعه، ۱۴ دلو، از ساحه «خشک» که مربوط حوزه دوم امنیتی شهر غزنی می‌شود، پیدا شده است. براساس اطلاعات منابع، این جوان با ضربات پیهم چاقو به قتل رسیده و موترش دزدیده شده است. باشنده‌گان غزنی، از افزایش ناامنی در شهر و ولسوالی‌های این ولایت شکایت دارند و طالبان را در تأمین امنیت به ناکامی متهم می‌کنند.

همچنان منابع محلی در سمنگان می‌گویند که فردی به نام ضیال‌الحق پنج روز پیش (۱۲ دلو) از سوی افراد مسلح روده شده و سپس به قتل رسیده است. نزدیکان این فرد می‌گویند که او یکی از نیروهای خیزش مردمی در سمنگان بوده که از شهر ایبک، مرکز سمنگان، روده شده بود. از این پیش جوان دیگری در این ولایت از سوی افراد مسلح ناشناس به قتل رسید. منابع محلی می‌گویند که این جوان ۲۴ ساله روز چهارشنبه، ۱۲ دلو، در روستای «گل‌قشلاق» شهر ایبک، مرکز سمنگان، از سوی افراد مسلح ناشناس به قتل رسید. براساس اطلاعات منابع، این جوان یاسین نام داشت و کارگر بود. تاکنون علت و انگیزه این قتل روشن نشده است. طالبان با تأیید این رویداد می‌گویند که تلاش‌ها برای بازداشت عاملان آن آغاز شده است. افزون بر این، هفت عضو یک خانواده به شمول زنان و کودکان جمعه‌شب، ۱۴ دلو، در روستای جرقله ولسوالی چمتال ولایت بلخ از سوی افراد مسلح ناشناس به قتل رسیدند. محمدآصف وزیر، سخنگوی فرماندهی امنیه طالبان در بلخ، گفته است که در این میان چهار کودک، دو زن و یک مرد شامل‌اند. هرچند مسوولان محلی طالبان در بلخ این رویداد را تأیید می‌کنند، اما جزئیات بیشتری در این باره ارایه نکرده‌اند.

در کنار این، براساس اظهارات منابع محلی در جریان یک هفته گذشته دو نظامی پیشین به نام‌های ستار سیرت و عنایت‌الله در ولایت جوزجان به قتل رسیده‌اند. منابع محلی به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که



پایتخت کشور نیز از ناامنی‌های پسین در امان نمانده است. سرقت، رهنی، اختطاف و ترور افراد از مواردی‌اند که در بیش از یک سال گذشته به‌عنوان یک پدیده همیشه‌پیدا پایتخت‌نشینان را آزار داده است. خان‌جان الکوزی، عضو هیأت مدیره اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری کشور، در صحبت با رسانه‌ها گفته است که تنها در یک ماه گذشته ۱۳ بازرگان کشور از سوی افراد مسلح اختطاف شده‌اند.

وضعیت سخن می‌گویند. خالد زدران، سخنگوی فرماندهی امنیه طالبان برای کابل، گفته است که از سه قاضیه اختطاف که در یک ماه گذشته نزد آنان ثبت شده، یکی را حل‌وفصل کرده و دو قاضیه دیگری را زیر کار گرفته‌اند. او می‌گوید که نیروهای این گروه در یک ماه گذشته ۱۲ اختطاف‌چی را از مربوطات ولایت کابل بازداشت کرده‌اند.

واکنش شهروندان

شهروندان کشور طالبان را در عرصه حکومت‌داری و برقراری نظم در بزرگ‌شهرها به ضعف و ناتوانی متهم می‌کنند. به باور آنان، حکومت‌داری خوب نیازمند یک حکومت رسمی، افراد متخصص و مسوولان پاسخگو است که افغانستان زیر حاکمیت طالبان از این ویژه‌گی‌ها محروم است.

محمدظریف، دکان‌دار در شهر کابل، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «افرادی که توقع داشته باشند امنیت شهر و بازار را با تهدید توسط شهروندان بگیرند [تأمین کنند] حکومت کرده نمی‌توانند». این دکان‌دار توضیح می‌دهد که مسوولان استخبارات طالبان در این اواخر با توزیع فورمه‌های همکاری، شهرت بیشتر دکان‌داران را نزد خود ثبت کرده و از آنان تعهد گرفته‌اند که در قسمت تأمین امنیت با این گروه همکاری کنند. در این تعهدنامه آمده است که دکان‌داران مکلف‌اند در صورت مشاهده افراد و فعالیت‌های مشکوک، مسوولان امنیتی این گروه را در جریان بگذارند. این دکان‌دار خاطر نشان می‌سازد که هنگام امضای این تعهدنامه، تهدید شده که در صورت تخلف زندانی می‌شود و مورد پی‌گرد قرار خواهد گرفت.

ازمیری، نظامی پیشین کشور است که به گفته خودش برای مدت زیادی در بخش‌های جنایی وظیفه اجرا کرده است، می‌گوید که تأمین امنیت شهرها یک سلسله شگردهایی دارد که نیازمند سواد و تخصص است. این نظامی پیشین می‌افزاید که تأمین امنیت شهرها از توان جنگ‌جویان طالبان خارج است؛ زیرا به گفته او، جنگ‌جویان این گروه نمی‌توانند با خواندن چند کتاب معدود در مدرسه و سپری کردن سال‌ها در میدان‌های جنگ، جرایم جنایی را کنترل کنند.

شمار قتل‌ها در یک سال گذشته

مقام‌های وزارت امور داخله طالبان می‌گویند که در یک سال گذشته یک هزار و ۵۹۰ قاضیه قتل در کشور اتفاق افتاده است. به گفته آنان، یک هزار و ۸۱۸ تن در پیوند به این قاضیه‌ها از سوی نیروهای این گروه بازداشت شده‌اند. بسم‌الله حبیب، معاون سخنگوی وزارت امور داخله طالبان، روز سه‌شنبه، ۱۱ دلو، در یک نشست خبری گفت که از این میان یک هزار و ۹ واقعه توسط طالبان کشف شده و بقیه از سوی شهروندان گزارش شده است. او افزوده است که این رویدادها شامل قتل‌های ناموسی، قتل‌های خانواده‌گی، خصومت‌های شخصی و قتل‌های مرموز می‌شود.

اختطاف و قتل با لباس طالبان

براساس گزارش‌ها، شهروندان کشور همواره از افزایش جرم‌های جنایی زیر پوشش لباس طالبان شاکی‌اند. شهروندان در ولایت‌های تخار، پروان، فراه و شماری دیگر از ولایت‌های کشور به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که اموال‌شان توسط افرادی دزدی شده که خود را جنگ‌جویان گروه طالبان معرفی کرده‌اند.

طبق این گزارش‌ها، گروهی از تفنگ‌داران مسلح روز پنج‌شنبه، ۱ جدی، مبلغ ۵۰ هزار دالر امریکایی را از یک گروه طلافروشان در شهر تالقان، مرکز ولایت تخار، سرقت کرده است. همچنان حبیب شیرزاد، خبرنگار محلی در پروان، گفته است که دزدان مسلح در ۱۳ اسد، با استفاده از نام طالبان وارد خانه او در ولسوالی جبل‌السراج شده‌اند. به گفته شیرزاد، این افراد دست و پای اعضای خانواده او را بسته و در یک اتاق جداگانه انداخته‌اند. این خبرنگار محلی توضیح داده که دزدان دو ست طلا به ارزش بیش از ۳۰۰ هزار افغانی، حدود ۴۰ هزار افغانی پول نقد و شش ست موبایل را با خود برده‌اند.

طالبان اما کاهش جرایم جنایی به‌ویژه سرقت‌های مسلحانه را یکی از بارزترین دستاوردهای خود عنوان کرده و می‌گویند که امنیت شهروندان کشور را بیش از هر زمان دیگری تأمین کرده‌اند. شهروندان کشور در حالی از افزایش ناامنی و برهم خوردن نظم بزرگ‌شهرها نگران‌اند که طالبان در ماه اسد سال گذشته خورشیدی با تصرف کابل، همه زندان‌ها را تخلیه و زندانیان را آزاد کردند. بیشتر آن زندانیان که شمارشان به هزاران تن می‌رسید، به جرایم مختلف از جمله اختطاف، قتل، سرقت‌های مسلحانه و دیگر جرایم جنایی به مجازات محکوم بودند. هیچ مرجعی تاکنون از شمار زندانیانی که با سقوط نظام جمهوری توسط طالبان از زندان‌های کشور رها شده‌اند، آمار ارایه نکرده است؛ اما براساس یافته‌های «مرکز بین‌المللی زندان‌ها» که در سال ۱۳۹۵ خورشیدی در سایت آن نشر شده است، شمار زندانیان در افغانستان از حدود پنج هزار و ۲۶۲ تن در سال ۱۳۸۳ به بیش از ۲۶ هزار و ۵۱۹ تن در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته بود. طبق گزارش این نهاد، در سال ۱۳۹۳ حدود ۳۴ زندان در مرکز ولایت‌ها و نزدیک به ۱۹۰ توقیف‌خانه و ۳۴ مرکز اصلاح کودکان در سرتاسر افغانستان وجود داشته است. مقام‌های امنیتی در سال‌های پسین آمار تازه‌ای از شمار زندان‌ها و زندانیان ارایه نکرده‌اند. طالبان نیز در این باره به‌صورت مشخص ابراز نظر نکرده‌اند.

سال شانزدهم
شماره ۳۸۳۷
دوشنبه
۱۷ دلو ۱۴۰۱
۶ فروری ۲۰۲۳

خواهران دلاورزی:

چاقوهای تان را برای کدام روز مبادا نگه داشته‌اید؟

صمد پاینده



مدتی پس از یک‌ساله‌گی حاکمیت طالبان، در پایان ماه آگست پارسال، خبری در رسانه‌ها نشر شد که در نوع خود بی‌سابقه بود. زن جوانی در یک ویدیو تنها نشسته بود و داستان تلخ زنده‌گی‌اش را در خانه سعید خوستی، سخنگوی وزارت داخله طالبان، با ناله و استدعای کمک بیان می‌کرد. آن‌چه او می‌گفت برای گوش و چشم مردم افغانستان آشنا بود: دختر جوانی را سخنگوی وزارت داخله طالبان، به اجبار به زنی گرفته و ماه‌ها شکنجه و اذیت کرده بود. تا این‌جا تازه‌گی نداشت. زنان افغانستان کمتر به دلخواه خود و بیشتر به خواست مردان شوهر می‌کنند و خشونت خانواده‌گی نیز معضل بزرگ اجتماعی است. این خشونت‌ها به لت‌وکوب هم محدود نمی‌مانند، بلکه در مواردی به بریدن بینی و گوش، سیخ‌داغ کردن، پوست کندن و کشتن نیز تمام می‌شود. طالبان در برخورد خشونت‌بار با زنان شهره عالم‌اند و خودشان نیز به آن افتخار می‌کنند. آنان در مساجد از چگونه‌گی شکنجه زنان توسط شوهران صحبت می‌کنند، «قواعد» لت‌وکوب را تشریح می‌کنند و در نظام امارتی حذف خانم‌ها را از زنده‌گی اجتماعی سرلوحه کارشان قرار داده‌اند. همه دیدیم و شنیدیم که طالبان بعد از برگشت به قدرت، چنان به «تصاحب» دختران شهری مشغول شدند که اشک ملاحسن آخند و فرمان ملامت‌الله را در آورد. از جمله به یاد داریم که در اوایل سنبله امسال رسانه‌ها گزارش دادند که شمس‌الدین همایون، ولسوال درقد ولایت تخار در یک هفته دوبار ازدواج کرده بود. تعداد زیادی از زنانی که این‌گونه تصاحب می‌شوند، از ناشوویی اجباری ناراضی‌اند و ناراضی‌شان به تشنج منتهی می‌شود و شکنجه و آزار را در پی دارد. درواقع، آن‌چه را الاهی دلاورزی در آن ویدیوها با مردم در میان گذاشت، هیچ غیرعادی و دور از انتظار نبود. شاید به همین دلیل اعتراضات شایسته برپا نکرد. وطنداران بسیاری شاید گفتند که در وطن ما این کارها تازه‌گی ندارد. یک الاهی، ده الاهی و هزار الاهی نداریم.

چیزی که تازه‌گی داشت، شهامت الاهی خانم بود. به‌روشنی دیده می‌شد که الاهی دختر تحصیل‌کرده است و از اهمیت رسانه، جای‌گاه زنان، موقف ضدبشری و ضدزن طالبان، و ظرافت‌های سیاسی آگاه است. مهم‌تر از همه، مایه گذاشتن از زنده‌گی برای یک مبارزه اجتماعی و سیاسی در اقدام او آشکار

بود. این‌ها باعث شک‌وگمان‌هایی شده بود و تعدادی تصور می‌کردند که زیر کاسه این خبر نیم‌کاسه‌ای باشد. برخی‌ها می‌گفتند که چگونه ممکن است در شرایطی که گرفتن نام سراج‌الدین حقانی موی بر تن مردان کهنه‌کار و گرم‌وسرد چشیده راست می‌کند، زن جوانی از خانه سخنگوی او چنان بی‌پاک لب به سخن بگشاید. تعدادی فاش‌گویی او را از مسایلی که تابو است، غیرعادی می‌خواندند. با این حال، بسیار بودند هم‌وطنانی که پیام ناله‌های جان‌سوز او را گرفتند و واکنش‌های عاطفی نشان دادند؛ اما فریاد الاهی خانم در جامعه فرو پاشیده و دچار انواع سوءتفاهم‌های قومی، مذهبی، سمتی و زبانی انعکاس لازم نیافت. صدای او حس قومی، مذهبی و سمتی کسی را بر نینگیخت و ظاهراً اعضای خانواده دلاورزی به حزب، سازمان و گروهی نیز وصل نبودند تا پی‌گیر دوسیه‌اش شود و او را از چنگ جانیان نجات دهد.

شنبه‌شب، تاریخ ۴ ماه جاری میلادی، دو خواهر الاهی دلاورزی در توئیتر اسپیس ۸صبح صحبت کردند. صدف دلاورزی و سودابه دلاورزی، قصه نزدیک به یک سال درگیری خانواده خود را با طالبان با جزئیات بسیار بازگو کردند. آنچه آنان توضیح دادند و قبلاً الاهی دلاورزی گفته بود، حتی اگر داستان باشد، چنان به واقعیت افغانستان و زنده‌گی زنان نزدیک است که همه باید به‌خاطر بسپاریم؛ چون اثر هنری ریالیستی تکرار کنیم و برای مبارزه علیه زن‌ستیزان و بنیادگرایان انگیزه بگیریم؛ اما کاش آن گفته‌ها قصه می‌بودا متهم اصلی، سعید خوستی، تایید کرده است که با الاهی ازدواج کرده و ازدواج‌شان به جنجال کشیده است. او نیز روایت خودش را در رسانه‌ها بیان کرده و در این‌که الاهی را دوباره ربوده‌اند و اکنون در زندان طالبان به سر می‌برد نیز شکی وجود ندارد.

صدف و سودابه مثل خواهرشان، الاهی دلاورزی، در این روزها استدلال و اسناد بسیاری را با رسانه‌ها شریک ساخته‌اند و در اسپیس ۸صبح، جزئیات تاریخ‌وار را همراه با نام افراد و ملاهای دخیل در تحمیل ازدواج اجباری و شکنجه الاهی، تهدید و شکنجه خانواده‌اش و ربودن او از پاکستان شریک ساختند. در سخنان صدف و سودابه تنهایی و شجاعت آن خانواده را هم‌زمان می‌توان خواند. صدف دلاورزی در آغاز از خانواده‌اش گفت که چهار نفرند (سه خواهر و پدر) و مادری که پنج سال قبل چشم از جهان پوشیده است. محمدحکیم دلاورزی، پدر خانواده، جنرال



داستان مقاومتی را که در ماه‌های پس از آن، خانواده دلاورزی در برابر طالبان نشان داده‌اند نیز پر از درس است. در هیچ‌جا آن دختران از عدم حمایت پدر شکایت نمی‌کنند. هیچ‌جا از خواهران دلاورزی نشنیده‌ایم که پدر، خلاف خیلی از مردان به ظاهر تحصیل‌کرده، اما عقب‌مانده افغانستان، دختر قربانی‌اش را ننگ خانواده بخواند و بکوشد از «شر» او خلاص شود. در داستان خواهران دلاورزی، پدر مرد استوار و آگاه است. دست‌وپایش در این مبارزه می‌شکند، طالب به دهانش میله تفنگ می‌گذارد و به زور به محفل نکاح سوم اجباری الاهی می‌برد و آن‌جا نیز او با اعتراض و دشنام می‌کوشد که علیه ازواج اجباری دلاورزی در فایلهای صوتی تازه‌نشرشده از سوی خانواده دلاورزی به رسانه‌ها رسیده، او پدر حامی و همراه دخترش ظاهر می‌شود. در آن فایلهای صوتی، الاهی می‌گوید: «به‌خاطر همان جنگی که بین من و خوستی شده بود، خوستی می‌گوید که تو مرتد شده‌ای. ابراهیم خوجه همراه تفنگ‌چه آمده بود تا مرا بکشد. این‌ها می‌گویند که به استخبارات روانت می‌کنیم. شما هرچه زودتر اگر مرا چیزی شد، به تمام رسانه‌ها این گپ‌ها را بلند کنید. من فعلاً در خانه هستم و خوستی هم همین‌جا ایستاده است.»

پدر الاهی می‌گوید: «همین حالا کلهش را پخش می‌کنم.» الاهی تصور می‌کند که پدرش نزد او می‌آید و جیغ می‌کشد: «نی، تو نیبایی ایجه!» خوستی که کنار الاهی است میان گپ پدر و دختر پریده می‌گوید: «کاکا، هیچ چیزی نیست. چیزی نیست.» و الاهی دوباره از پشت گوشی فریاد می‌زند: «نی، تو نبیا. دروغ می‌گویی.»

پدر الاهی جواب می‌دهد: «من فهمیدم. من پخش می‌کنم.» اما آن خبرها در آن روزها پخش نشده بود. ظاهراً خانواده الاهی امیدوار بودند که بدون رسانه‌های ساختن از شر طالبان رهایی یابند. این صدا به‌تازه‌گی و زمانی که دو خواهر الاهی از تلاش‌ها و کوبیدن درهای نهادها و ادارات بین‌المللی بسیار، برای رهایی خواهر چیزی بدست نیاورده‌اند، با رسانه‌ها شریک شده است.

اگر به قضیه الاهی دلاورزی از عینک جنایی نگاه شود، شاید کارشناسان حق داشته باشند، به جزئیات بدرفتاری‌ها با الاهی، از جمله تجاوز در شب اول دستگیری‌اش در ریاست امنیت و نکاح اجباری بعد از تجاوز، گرفتن فلم‌های شنیع از او و وادار کردنش به کارهای زشتی که الاهی مدعی است به زبان آورده نمی‌تواند، به دیده شک بنگرند و قضاوت را به بعد از «تحقیقات» موکول کنند؛ اما در شرایطی که حاکمان طالب قوانین را تعطیل کرده‌اند، تحقیق و اطلاع‌رسانی را جرم می‌پندارند و هیچ راهی برای پی‌گیری منصفانه و عادلانه وجود ندارد و در شرایطی که رفتار ضد بشری و ضد زن طالبان شهره عالم است و حتا رهبر طالبان با فرمانی، از ازدواج‌های مکرر زبردستانش شکایت کرده، قضیه دلاورزی هم به‌صورت شخصی و حقیقی و هم به‌صورت نمادین، به‌عنوان نمونه استثنایی رسانه‌ای شده از ستم‌های بسیار طالبان، باید جدی گرفته شود. دوباره و به تکرار می‌خواهم یادآور شوم که بازی کردن چنان سناریویی حتا در صحنه تیاتر اگر باشد، مستحق حمایت بی‌دریغ مردم است. اگر به فرض محال، خواهران دلاورزی در اروپا نشسته و کل این سناریو را صحنه‌سازی کرده باشند، بازم دروغ نیست و تصویر واقعی از وضعیت زنان در زیر ریش طالبان را بیان می‌کند. درحالی‌که همه می‌دانیم که آنان با یک سال عمر خود این ستم را زنده‌گی کرده و ماه‌ها با قیمت جان، آرامش و آزادی خود به تنهایی فریاد کشیده‌اند.

تنهایی خانواده دلاورزی دردناک و شرم‌آور است. برای همه ما، به‌خصوص نهادهای مدنی، زنان فعال حقوق بشر و آنانی که شبکه‌های ارتباطی در پاکستان و داخل افغانستان دارند و مدعی مبارزه‌اند. تنهایی خانواده دلاورزی و افتادن دوباره الاهی خانم به چنگ دیوهای طالب، مایه ننگ و سرافکنده‌گی است. سودابه جان در سخنان شنبه‌شبش گفت که سازمان‌های حقوق بشری به صدای‌شان گوش نمی‌دهد، سازمان ملل و برخی انجوهای خارجی را متهم به همدستی با طالبان کرد و مردم (ما و شما) را به بی‌ننگی و ترس متهم کرد. او پرسید که چرا هم‌وطنانش حتا از شریک ساختن اعتراض خانواده دلاورزی در رسانه‌های اجتماعی و هشنگ زدن برای آزادی الاهی هراس دارند؟ او با بازگویی قصه مشهوری پرسید: آن چاقو را برای کدام روز مبادا نگه داشته‌اید؟ آیا روزی بدتر از این هم آمدنی است؟

سودابه جان در سخنان

شنبه‌شبش گفت که

سازمان‌های حقوق بشری به صدای‌شان گوش نمی‌دهد،

سازمان ملل و برخی

انجوهای خارجی را متهم

به همدستی با طالبان کرد

و مردم (ما و شما) را به

بی‌ننگی و ترس متهم کرد.

بیماری‌های فصلی در هرات جان صدها کودک را تهدید می‌کند



۸ صبح، هرات

گسترش دامنه فقر و سردی بیش از حد هوا زمستان را برای شهروندان کشور به یک چالش جدی بدل کرده است. سرما و نبود امکانات کافی برای گرمایش خانه‌ها، سبب شده که شیوع بیماری‌های فصلی در ولایت‌های سردسیر کشور افزایش یابد. هرات در شمال غرب کشور از ولایت‌های سردسیر است که در زمستان امسال گواه بیشترین شمار قربانیان ناشی از سرما بوده است. باشندگان هرات سرمای زمستان امسال را بی سابقه توصیف می‌کنند و می‌گویند که به دنبال سردی هوا در این ولایت بیماری‌های سرماخوردگی و سینه‌ویگل بین کودکان شیوع پیدا کرده است؛ بیماری‌هایی که ساده پنداشته می‌شوند، اما صدها کودک را با خطر مرگ مواجه ساخته‌اند. باشندگان هرات پرچاوی دوام‌دار برق، مشکلات اقتصادی و نبود امکانات کافی برای گرمایش خانه‌ها را از عوامل عمده مصاب شدن کودکان به این بیماری‌های فصلی عنوان می‌کنند. منابع صحتی نیز مراجعه همه‌روزه ده‌ها کودک مبتلا به سرماخوردگی به مراکز صحتی این ولایت را تأیید می‌کنند و توضیح می‌دهند که سینه‌ویگل در کودکان به شدت خطرناک است و در صورتی که به‌موقع جلو آن گرفته نشود، می‌تواند به مرگ منجر شود.

احمدشعیب، باشندگان شهر هرات است که برای درمان فرزند ۱۶ ماهه‌اش به شفاخانه حوزه‌ای این ولایت آمده است. او می‌گوید که از یک هفته به این سو فرزندش به این بیماری مبتلا شده است. احمدشعیب می‌افزاید که سرمای بیش از حد همه اعضای خانواده‌اش را بیمار ساخته و کودکش را به سینه‌ویگل مبتلا کرده است. این باشندگان هرات علاوه می‌کنند: «هوا بسیار یخ است. امسال تمام اعضای خانواده مریض شدند و پس از گرفتن دوا بقیه اعضای خانواده‌ام خوب شدند، اما طفلکم دو هفته است که بیمار است و حالا بیماری‌اش شدیدتر شده.»

احمدشعیب اضافه می‌کند که هرات در زمستان امسال در بی‌برقی مطلق به سر می‌برد و برق این ولایت در یک شبانه‌روز بیش از دو تا سه ساعت وصل نبوده است. به گفته او، باشندگان این ولایت توان خرید گاز و زغال سنگ را ندارند و در سال‌های گذشته تنها از برق به‌عنوان وسیله گرمایش خانه‌ها استفاده می‌کردند، اما امسال بی‌برقی مطلق را تجربه کرده‌اند: «گاز کیلویی ۷۰ افغانی است. مردم توان

خرید مواد سوخت را ندارند. همه‌ساله اکثریت مردم هرات از بخاری‌های برقی و کرسی (صندلی) استفاده می‌کردند، اما به دلیل بی‌برقی و نبود توان خرید مواد سوخت و سرمای شدید اکثریت طفل‌های خانواده‌ها به سینه‌ویگل مبتلا شده‌اند.»

زمستان سرد، فقر، ناداری و کاهش قدرت خرید از علت‌های اصلی افزایش بیماری سینه‌ویگل در کودکان بوده است. باشندگان هرات می‌گویند که دست‌کم در یک دهه گذشته گواه افزایش بیماری‌های فصلی از حمله سینه‌ویگل در فصل سرما نبوده‌اند.

فیض‌احمد، باشندگان ناحیه ششم شهر هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که بیماری سینه‌ویگل جان برادرزاده هشت‌ماهه او را گرفته است. او می‌افزاید که سرمای شدید در ماه جدی امسال سبب شده که تنها کودک خردسال خانواده آنان جان بدهد. در نخست نشانه‌های تب و سرفه خفیف در این کودک هشت‌ماهه مشاهده شده و سپس دچار سرفه شدید شده و در نهایت با وجود مراقبت‌های صحتی، جان باخته است.

ابتلا به بیماری فصلی سینه‌ویگل و قربانی گرفتن این بیماری از کودکان، تنها به مرکز شهر هرات خلاصه نمی‌شود، بلکه باشندگان شمار زیادی از ولسوالی‌های این ولایت نیز خاطر نشان می‌سازند که این بیماری



زمستان سرد، فقر،

ناداری و کاهش قدرت

خرید از علت‌های اصلی

افزایش بیماری سینه‌ویگل

در کودکان بوده است.

باشندگان هرات می‌گویند

که دست‌کم در یک دهه

گذشته گواه افزایش

بیماری‌های فصلی از حمله

سینه‌ویگل در فصل سرما

نبوده‌اند.

احمدشعیب می‌افزاید که سرمای بیش از حد همه اعضای خانواده‌اش را بیمار ساخته و کودکش را به سینه‌ویگل مبتلا کرده است. این باشندگان هرات علاوه می‌کنند: «هوا بسیار یخ است. امسال تمام اعضای خانواده مریض شدند و پس از گرفتن دوا بقیه اعضای خانواده‌ام خوب شدند، اما طفلکم دو هفته است که بیمار است و حالا بیماری‌اش شدیدتر شده.»

از کودکان زیادی قربانی گرفته است. جمعه‌گل، یکی از باشندگان ولسوالی‌های شرقی هرات است. او می‌گوید که در جریان ماه جدی که سردی هوا به شدت بیشتر شد، پنج کودک خردسال در قریه‌های همجوار آن‌ها جان باخته‌اند. این باشندگان هرات اضافه می‌کنند که سرمای شدید بیشتر کودکان خانواده‌های فقیر را تهدید کرده است: «در ظرف ۱۵ روز من از پنج قریه که به این قریه‌ها به همسایه‌گی ما هستند، مرگ پنج طفل که از یک سال به پایین سن داشتند را شنیدم.»

در همین حال، یافته‌های روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که شمار کودکان مبتلا به بیماری فصلی سینه‌ویگل در هرات به‌گونه نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است. براساس این یافته‌ها، در جریان ماه جدی سال روان خورشیدی نزدیک به هشت هزار کودک در این ولایت به بیماری سینه‌ویگل مبتلا شدند. این آمار از شفاخانه حوزه‌ای هرات، شفاخانه‌های خصوصی در سطح شهر هرات و شماری از ولسوالی‌های این ولایت گردآوری شده است.

منابع در شفاخانه حوزه‌ای هرات به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که در ماه جدی سال روان سه هزار و ۲۰ تن به دلیل ابتلا به بیماری سینه‌ویگل به این شفاخانه مراجعه کرده و ثبت شده‌اند. آمارهای ارایه‌شده نشان می‌دهد که از این میان شماری از کودکان به دلیل ابتلا به سینه‌ویگل حاد جان باخته‌اند. داکتر منصور حیدری (نام مستعار) متخصص اطفال، که در منطقه جکان شهر هرات معاینه‌خانه شخصی دارد و مصروف تدای کودکان است، افزایش بی‌پیشینه ابتلای کودکان به سینه‌ویگل در سال روان خورشیدی را تأیید می‌کند و می‌گوید که روزانه ده‌ها کودک برای درمان به معاینه‌خانه او آورده می‌شوند. این متخصص بیماری‌های کودکان اضافه می‌کند که بیشتر این کودکان به سینه‌ویگل خفیف و شدید مبتلایند: «امسال به‌گونه بی‌پیشینه سینه‌ویگل در بین کودکان شیوع پیدا کرده است. در سال‌های پیش شاهد همچون وضعیت نبوده‌ایم. از صبح تا شام تا ۱۰۰ کودک را برای درمان می‌آورند. در همه‌شان علائم سینه‌ویگل دیده می‌شود.»

شفاخانه‌های خصوصی در هرات نیز روزانه گواه مراجعه خانواده‌هایی‌اند که کودکان‌شان به سینه‌ویگل مبتلایند. یکی از مسوولان شفاخانه‌های خصوصی در هرات به شرط فاش نشدن نامش توضیح می‌دهد که از ماه قوس به این سو شمار کودکان مبتلا به

بیماری‌های فصلی و سینه‌ویگل افزایش یافته و روزانه تا ۵۰ کودک به دلیل ابتلا به این بیماری به شفاخانه‌های خصوصی مراجعه می‌کنند.

در همین حال، ولسوالی‌های هرات نیز گواه افزایش کودکان مبتلا به بیماری سینه‌ویگل‌اند. یکی از داکتران که نخواست نامش در این گزارش درج شود، می‌گوید که زمستان امسال کودکان بیشتری را به بیماری‌های فصلی به‌ویژه سرماخوردگی و سینه‌ویگل حاد مبتلا کرده است. به گفته او، روزانه تا ۱۵ کودک مبتلا به سینه‌ویگل به کلینیک این ولسوالی مراجعه می‌کنند. او همچنان تأیید می‌کند که در ماه جدی امسال دست‌کم پنج کودک به علت این بیماری در مرکز صحتی این ولسوالی فوت شده‌اند.

داکتران بخش اطفال در هرات سردی بیش از حد هوا را از علت‌های عمده ابتلای کودکان به این بیماری فصلی عنوان می‌کنند. یکی از داکتران متخصص به روزنامه ۸ صبح گفت: «هوای خانه‌ها معتدل نیست و این‌که سینه‌ویگل یک بیماری ویروسی است. وقتی یکی از اعضای خانواده بیمار می‌شود و کودکان با او نزدیک می‌شوند و یا هم‌کاسه می‌شوند، این سبب انتقال بیماری به کودک می‌شود.»

سردی بیش از حد هوا و معتدل نبودن دمای خانه‌ها در حالی جان کودکان بیشتری را در ولایت هرات تهدید می‌کند که افغانستان در فصل زمستان امسال سردترین روزها را تجربه می‌کند. باشندگان این ولایت می‌گویند که در ۱۰ سال گذشته گواه چنین زمستان سرد نبوده‌اند. گزارش‌ها می‌رسانند که بیش از ۹۰ تن در این ولایت به علت سردی بیش از حد هوا جان باخته‌اند.

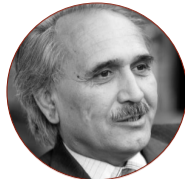
از سوی دیگر به دنبال بحران اقتصادی دامنه فقر در هرات گسترش یافته است. بیشتر خانواده‌ها توان خرید مواد سوخت برای گرم کردن خانه‌ها را ندارند. بیشتر خانواده‌ها در هرات سال‌های گذشته از برق برای گرم کردن خانه‌ها استفاده می‌کردند، امسال اما پرچاوی‌های دوام‌دار برق سبب شده که شهر هرات و ولسوالی‌های آن در تاریکی فرو بروند و مردم نتوانند با

استفاده از برق خانه‌های خود را گرم نگه دارند. افزایش بیماری‌های فصلی در حالی زنده‌گی کودکان را در هرات تهدید می‌کند که فقر این روزها بالای باشندگان این ولایت سایه تاریک افکنده و قدرت خرید آنان به شدت کاهش یافته است. شمار زیادی از خانواده‌ها در این ولایت توان خرید مواد سوخت و حتا مواد غذایی را ندارند. نبود مواد سوخت و شکم‌های گرسنه علت اصلی افزایش بیماری‌های فصلی در این ولایت خوانده شده است. یک باشندگان هرات می‌گوید، در شرایطی که سرما به منفی ۲۴ درجه برسد، برق نباشد و مردم نتوانند خانه‌های خود را گرم و شکم‌های خود را سیر نگه‌دارند، طبیعی است که این‌دست افراد به بیماری‌های گوناگون مبتلا می‌شوند. آمار و ارقام سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که در حال حاضر بیش از ۲۵ میلیون شهروند افغانستان زیر خط فقر زنده‌گی می‌کنند.

فقر نه‌تنها هرات، بلکه همه ولایت‌های کشور را متأثر ساخته است. کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گان به نقل از خانواده‌های نیازمند در افغانستان گزارش داده است که گرسنگی سبب شده تا این خانواده‌ها برخی از وعده‌های غذایی‌شان را حذف کنند. یوان‌اچ‌سی‌آر روز پنج‌شنبه، ۱۳ دلو، در گزارشی وضعیت زنده‌گی خانواده‌های نادر و متأثر از جنگ و ناامنی غذایی را در ولایت سردسیر بامیان به تصویر کشیده است.

سازمان ملل متحد همچنان اعلام کرده که سقوط اقتصاد آزاد و افزایش قیمت مواد غذایی در افغانستان خانواده‌های نیازمند را تحت تأثیر جدی قرار داده که ناگزیر به گرفتن وام از همسایه‌ها شده‌اند. این نهاد هشدار داده است که با اندکی تشدید وضعیت، آنان در بدهی‌های عمیق فرو خواهند رفت.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز تأیید کرده که سردی بیش از حد هوا در افغانستان جان میلیون‌ها شهروند این کشور را تهدید می‌کند. این کمیته روز پنج‌شنبه، ۱۴ دلو، با نشر یک نوار تصویری هشدار داده که برای جلوگیری از وخامت اوضاع، به کمک‌های بشردوستانه بیشتری در افغانستان نیاز است. صلیب سرخ می‌افزاید که بسیاری از شهروندان این کشور به دلیل مشکلات اقتصادی توانایی گرم کردن خانه‌های‌شان را ندارند. این نهاد در حالی از سردی هوا سخن گفته که براساس یافته‌های روزنامه ۸ صبح، در جریان سرمای امسال بیش از ۳۰۰ تن در ولایت‌های مختلف کشور جان باخته‌اند.



پرتو ناداری
بخش نخست

سطری چند در پیوند به زنده‌گی محمود فارانی
آن گونه که در کتاب «سفر در توفان» آمده است، محمود فارانی در ۱۶ دلو ۱۳۱۷ در شهر کابل چشم به جهان گشود. امسال به نردبان

هشتاد و چهار ساله‌گی گام گذاشته است. دانشکده شرعیات دانشگاه کابل را خوانده است. به یادمانده است که در یکی از گفت‌وگوهایش باری در نشریه‌ای در کابل با زبان طنز آمیزی گفت: «من ملا هستم، اما خودم را به در شاعری زده‌ام!» او گذشته از شاعری در زمینه ترجمه، روزنامه‌نگاری و پژوهش‌های ادبی نیز نام و نشانی دارد. سالیانی هم در دانشگاه کابل کرسی استادی داشت.

سال ۱۳۴۳ خورشیدی که انجمن شاعران در وزارت معارف افغانستان اساس‌گذاری شد، فارانی را به عضویت آن انجمن پذیرفتند. بدین‌گونه او فرصت آن را یافت تا با شاعران و سخنوران بزرگ آن روزگار آشنایی پیدا کند.

سال ۱۳۴۸ بود که نشریه‌ای را در کابل زیر نام «سپیده‌دم» انتشار داد. سپیده‌دم به‌زودی هواخواهان و خواننده‌گان زیادی یافت؛ اما به گفته حافظ: «خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود». این نشریه عمر درازی نکرد.

«چهره‌های جاویدان» یکی از برنامه‌های رادیویی فارانی است که در سال‌های ۱۳۴۳ - ۱۳۴۴ از رادیو افغانستان پخش می‌شد. فارانی در آن برنامه ۶۳ تن از سخنوران کلاسیک ادبیات و فرهنگ پارسی دری را با شیوه‌های امروزمین معرفی کرده و نگاهی داشت به چگونگی کارهای ادبی و فرهنگی آنان.

در زمینه ترجمه او بیشتر از منابع عربی ترجمه کرده است که یکی از ترجمه‌هایش نوشته‌ای است از سیدجمال‌الدین افغان زیر نام «سرنوشت». با دریغ ما هنوز نوشته‌ها و ترجمه‌های فارانی را که به‌گونه کتاب جداگانه تنظیم و نشر شده باشد، در اختیار نداریم.

شعر و شاعری محمود فارانی

محمود فارانی از پیش‌گامان شعر نو در افغانستان است و به گفته استاد واصف باختری او در دهه ۴۰ سده چهاردهم خورشیدی به‌گونه خاص در قالب چهارپاره بر شماری از شاعران هم‌روزگار خود، شاعر تاثیرگذاری بود.

در کتاب «نوی شعرونه» یا اشعار نو، از محمود فارانی چهار شعر به نام‌های «شعله خاموش»، «غروب ساحل»، «نامه» و «گور چوپان» نشر شده است. این شعرها همه در قالب چهارپاره سروده شده‌اند. باید گفت که در بخش پشتو دو شعر از فارانی به نام‌های «د صحرا شپه» و «د غرو غروب» نیز در این کتاب چاپ شده‌اند. این هم، یکی دو بند از شعر «د غرو غروب»:

سپینو دنگو غرونو شاته
زیرې لمر روو پتیزی
خما هیر او مړه یادونه
بیامی زړه کشی ژوندی کیژی

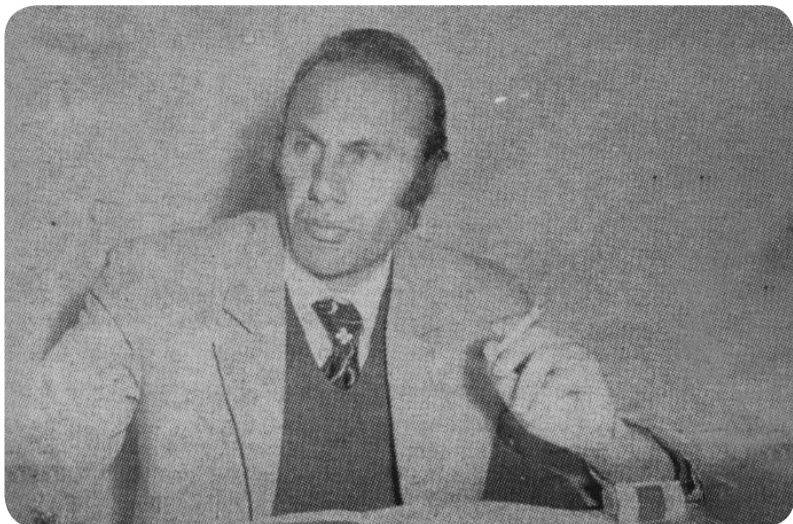
مازدیگر وژمه چلیژی
رپو وحشی گلونه
سردرو کشی انگازه کړې
د زرو شینو غزونه

(نوی شعرونه/ اشعار نو، ریاست مستقل مطبوعات، ۱۳۴۱، ص ۲۳)

محمود فارانی را از همان روزگار جوانی شناختم، با نخستین گزینه شعری‌اش «رویای شاعر». بعد رسیدم به گزینه‌های «آخرین ستاره» و «سفر در توفان».

بدون تردید این دو گزینه هر کدام در روزگار خود حادثه‌هایی بود در شعر پارسی دری افغانستان. در دهه ۶۰ خورشیدی چند سالی در زندان پل چرخی بودم. زندان با همه بدبختی و سیه‌روزی‌هایی که داشت، فرصتی هم بود برای کتاب‌خوانی. روزی «نقد بیدل» می‌خواندم، کتاب دانشمند بزرگوار علامه صلاح‌الدین سلجوقی را. جایی رسیدم که استاد در پیوند به وضعیت شعر و موسیقی معاصر افغانستان بحثی داشت. در این بحث به‌گونه ویژه در پیوند به گزینه «آخرین ستاره» محمود فارانی چنین خواندم:

از رویای شاعر تا سفر در توفان



«من در این روزها از طرف جوانی به نام «محمود فارانی» اثری دریافت کرده‌ام که آن را «آخرین ستاره» نام نهاده است. این اثر خیلی‌ها مژده‌ده است. این جوان با روح متجدد خود، قوه ابتکار قوی و قریحه فروزانی نیز دارد. از فوتوی او معلوم می‌شود که خیلی‌ها جوان است و آینده روشن او تا هدف دور امتداد می‌یابد، به اذن خداوند.

شنیدم که او از عشیره زعیم و فیلسوف ما سیدجمال‌الدین افغانی است. طبیعی است که باید شجاع و باهمت و صاحب طموح و آرزوهای برین و بلند باشد که این صفات از خلال نوشته‌های او نیز استنباط شده می‌تواند. چیزی که مرا بیشتر جذب نموده، این است که او شعر خود را بر یک پایه ارزان و مبتدلی (که ما از این چیز می‌ترسیم) طرح نکرده، بلکه برحسب خاطرخواه ما و برحسب آن چه از شعر جدید آرزومندیم، قریحه او به آن اوجی پرواز کرده که اوج مولانا و بیدل است. آن اوجی که همای فرخ‌فال ادب قومی و عنعنوی ما آن‌جا آشیان دارد و اینک برای نمونه دو بند از ترانه «زنده‌گی» او ذیلا نقل می‌کنیم که گویا ما جمله معترضه را به میان نیاورده‌ایم و سلسله مولانا و بیدل را قطع نکرده‌ایم:

حرف کوتاه حیات زودگذر
لحظه‌ای هست در ره دو عدم
لیک این لحظه‌ی پر از اسرار
ابدیت بزاید از هر دم

در برش خفته جاودانی‌ها
به نهادش نهفته راز زمان
دل او همچو قعر دریا ژرف
پهنه‌اش چون سپهر بی‌پایان»

(نقد بیدل، وزارت معارف، ۱۳۴۳ ص ۱۰۶-۱۰۷)

چه خوش‌بخت است شاعری که از زبان علامه سلجوقی که به یقین می‌توان او را پایه‌گذار نقد ادبی در افغانستان خواند، این‌گونه توصیف می‌شود. وقتی این جمله‌ها را در «نقد بیدل» خواندم، از هیجان لبریز شده بودم. من در آن جمله‌ها باور خود را نسبت به فارانی یافته بودم؛ شاعری که شعرش بر من و عمدتاً در چهارپاره‌سرایی‌های من تاثیرگذاری‌هایی داشت و شعرهایش همیشه بر زبانم جاری بود.

در سال‌های پسین که بررسی‌هایی داشتم بر شعر شماری از شاعران هم‌نسل فارانی، به‌روشنی دریافتم که او در چهارپاره‌سرایی تاثیرگذاری گسترده‌ای بر شعر آن روزگار افغانستان داشته است. از این مساله که بگذریم، بند نخست شعر «زنده‌گی» در گزینه «آخرین ستاره» نسبت به آن چه در نقد بیدل آمده، تفاوتی دارد. در آخرین ستاره چنین می‌خوانیم:

حرف کوتاه... حیات زودگذر
لحظه‌ای هست بین مرگ و عدم

شاعر، این‌جا زنده‌گی را چنان لحظه‌ای توصیف می‌کند که در میان مرگ و عدم قرار دارد، نه لحظه‌ای که در ره دو عدم قرار داشته باشد. در هر دو صورت این گفتار به ظاهر ساده می‌تواند بحثی را تا عرفان و فلسفه به میان آورد.

با یک بینش عارفانه می‌توان گفت: فنا از نظر عارفان همان بیرون شدن از خود است. عارف از خود تهی و از قالب منیت خود بیرون می‌شود تا به خداوند که آن

هستی مطلق است، برسد. به همین دلیل در میان اهل عرفان، مرگ به مفهوم نابودی نیست، بلکه گذشتن از یک نیستی هستی‌نما به هستی همیشه‌گی است.

با این حال در این سطرها فارانی، زنده‌گی لحظه‌ای است در میان مرگ و عدم. شاید بتوان این بیان را این‌گونه توجیه کرد که مرگ پایان زنده‌گی نیست، بلکه در لحظه‌های پس از مرگ گونه‌ای زنده‌گی هم ادامه دارد. سلول‌های بدن هنوز زنده است. از نظر شاعر، پس مرگ پلی هست که انسان از طریق آن به هستی کامل می‌رسد؛ اما فارانی می‌گوید: «لحظه چون هستی مطلق و زنده‌گی جاوید، همانا خداوند است، پس هستی این جهان و این زنده‌گی که ما داریم در برابر آن هستی مطلق و زنده‌گی جاوید خود عدم است.

پس این زنده‌گی چنان ریسمانی یک سرش می‌رسد به همین عدم یا بهتر است گفته شود به همین عدم هستی‌نما و سر دیگرش می‌رسد به مرگ. مرگ در نظر عارفان خودگذاری است به سوی آن هستی مطلق. این‌جا زنده‌گی لحظه‌ای دانسته می‌شود که در میان مرگ و عدم قرار دارد. یعنی انسان با گذشتن از مرگ، به عدم می‌رسد. این بیان با دیدگاه عارفان هماهنگی ندارد. در ظاهر امر با آن تعبیر عارفانه همخوانی ندارد؛ برای آن که مرگ این‌جا پلی است که انسان از آن می‌گذرد و به عدم می‌رسد.

بیان کوتاهی زنده‌گی است، همان لحظه‌ای که در میان مرگ و عدم قرار دارد. هرچند پس از مرگ سرانجام انسان از نظر فزیک می‌نابودی و عدم می‌رسد، اما روح او با ابدیت پیوند می‌یابد. این امر خود همان رسیدن به هستی همیشه‌گی است. همین لحظه‌ای که ما آن را زنده‌گی می‌خوانیم و در میان مرگ و عدم قرار دارد، خود سرچشمه جاودانه‌گی است. به گفته شاعر: پهنه‌اش چون سپهر بی‌پایان است.

«لحظه‌ای» است که با جاودانه‌گی می‌پیوندد. خود زاینده و سرچشمه ابدیت است. لحظه‌ای که با ابدیت می‌پیوندد، خود ابدیت می‌شود، به مانند همان قطره افتاده در دریا.

گاهی در شعرهای فارانی هم‌گونه‌هایی را با بینش‌های فلسفی خیام می‌بینیم که ما چرا و چگونه به جهان آمده‌ایم:

دانم که منظور عقل جهان
از این تیره‌مشت غباری چه بود
برای چه از شارسان عدم
به اقلیم هستی مرا رهنمود
(رویای شاعر، ص ۲۸)

از محمود فارانی سه گزینه شعر به نشر رسیده است:

۱. رویای شاعر
«رویای شاعر»، نخستین گزینه شعری محمود فارانی، بیست و چهارپاره شعر شاعر را در بر دارد (یک غزل، سه نیمایی و شانزده چهارپاره). در شناس‌نامه کتاب، سال چاپ آن نیامده است. به هر حال باید پیشتر از سال ۱۳۴۲ نشر شده باشد. تجربه‌های نخستین شاعر است. با این حال از چگونگی شعرهای این دفتر می‌توان دریافت که محمود فارانی از همان آغاز با زبان، تخیل و آگاهی قابل توجه پا به سرزمین شعر و شاعری گذاشته است.

۲. آخرین ستاره

این گزینه را وزارت مطبوعات در سال ۱۳۴۲

خورشیدی با مقدمه استاد مایل هروی در کابل انتشار داده است. درست یک سال بعد از نشر کتاب «نوی شعرونه/اشعار نو».

در گزینه «آخرین ستاره» بیست‌وهفت پارچه شعر شاعر گردآوری شده است؛ پنج نیمایی، دو غزل، دو قطعه و هجده چهارپاره. نام گزینه از نام یکی از سروده‌های نیمایی شاعر گرفته شده که با حال‌وهوای رمانتیک در قالب نیمایی در میزان ۱۳۴۰ خورشیدی سروده شده است.

از تندباد یاس

در دخمه شکسته و تاریک قلب من
خاموش گشت شعله‌ی لوزان آرزو
اندوه پرگشود

این جغد سال‌خورده پس از دیرگاه
آمد به آشیانه‌ی ویرانه‌اش فرو
اکنون سکوت مرگ

افکنده سایه بر دل تاریک و سرد من
پیک عبوس نیستی ایستاده روبه‌رو
(آخرین ستاره، ص ۵۴)

۳. سفر در توفان

سومین و به ظاهر تاکنون آخرین گزینه شعری محمود فارانی «سفر در توفان» نام دارد. این گزینه که در سال ۱۳۵۴ در کابل انتشار یافته، دربرگیرنده بیست‌ودو پارچه شعر است؛ دو نیمایی، چهار قطعه، چهار غزل و دوازده چهارپاره.

شاعر در این گزینه یکی از گفت‌وگوهای گسترده خود در پیوند به سیر تحول شعر پارسی دری و پیدایی مکتب‌های هنری - ادبی را چنان مقدمه‌ای در آغاز کتاب آورده است. در این گفت‌وگو محمود فارانی بر این امر تاکید کرده است که تحول زنده‌گی خود سبب دگرگونی و تحول در ادبیات می‌شود. شعر در هر زمانی باید شعر زمان خود باشد و سخن زمان خود را داشته باشد تا بتواند واقعیت زنده‌گی را بازتاب دهد و نمی‌توان جلو تحول ادبی را گرفت.

این گفت‌وگو در حقیقت پاسخی است به دیدگاه‌های سنتی یکی از شاعران و ادیبان سال‌خورد کشور، در یکی از برنامه‌های ترازوی طلایی در رادیو افغانستان. پس از «سفر در توفان» نه‌تنها هیچ گزینه شعری از فارانی دیده نشده، بلکه در این سال‌های دور گویی او یک‌باره‌گی با جهان شعر و ادبیات بدروید گفته است. به‌گونه دقیق می‌توان گفت که فارانی پس از کودتای ثور ۱۳۵۷ خورشیدی، دیگر سکوت کرده است. با این حال او با همان سه کتاب «رویای شاعر»، «آخرین ستاره» و «سفر در توفان» در شعر معاصر پارسی دری در افغانستان جایگاه بلند و ستایش‌انگیزی دارد. او یکی از علم‌برداران رستاخیز شعر مدرن در افغانستان است، نه‌تنها در پارسی دری، بلکه در شعر پشتو نیز. جایی خوانده بودم که او به زبان اردو و عربی نیز شعرهایی سروده است.

با این‌همه، شعرهای فارانی در هر سه گزینه در چند فرم محدود سروده شده است. با مروری که من بر سه کتاب او داشتم، شعرهای او تنها در قالب‌های غزل، قطعه، چهارپاره و شعرهای آزاد عروضی یا نیمایی سروده شده است. در این میان بخش بیشتر شعرهای فارانی همان چهارپاره‌های او است. در گزینه‌های

شعری او شعر سپید دیده نمی‌شود.

با این حال در گفت‌وگویی که باری با واصف باختری در زمان همکاری‌ام با بی‌بی‌سی در پیشاور داشتم، او از رهنمایی محمود فارانی در پیوند به آغاز سپیدسرایی خود این‌گونه یاد کرده بود: «حدود چهل سال پیش، در افغانستان نوشتن قطعه ادبی خیلی رایج بود که عده‌ای از نویسندگان آن وقت مثلاً آقای محمدموسای نهمت، آقای آیینه، آقای سیدحبیب‌الله بهجت، آقای سمیع مدهوش و عده دیگری نوشته‌هایی آرایه می‌کردند به نام قطعه ادبی که طبعاً بر سبیل تفنن و تقلید یا شاید هم گاه‌گاه مبتنی بر اصالت. در همان عوالم من هم نمونه‌هایی داشتم. راستش بار اول مرا در این مورد آقای محمود فارانی رهنمونی کرد. من یک نمونه به آقای محمود فارانی آرایه کردم، به‌عنوان قطعه ادبی تا در نشریه‌ای که نمی‌دانم کدام نشریه بود، در هر حال آقای فارانی یا متصدی نشریه بود یا هم همکار نزدیک آن نشریه بود، چاپ کند. آقای فارانی در شکل نوشتاری آن و به اصطلاح امروز در هندسه نوشته تغییراتی آورد و آن را به نام شعر سپید چاپ کرد.»

(پنجره‌های روبه‌رو، انتشارات میوند، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱)

تهدیدهای امنیتی یا منع فعالیت کارمندان زن؟

عربستان سعودی سفارتش در کابل را تخلیه کرد

۸ صبح، کابل: یک منبع معتبر به روزنامه ۸ صبح تأیید می‌کند که عربستان سعودی سفارتش در افغانستان را تخلیه کرده است.

این منبع روز یکشنبه، ۱۶ دلو، می‌گوید که دیپلمات‌های سفارت عربستان سعودی در کابل پس از منع ادامه فعالیت کارمندان زن این سفارت از سوی طالبان، روز چهارشنبه، ۱۲ دلو، به کشورشان برگشته‌اند.

منبع می‌افزاید: «ظاهراً سعودی‌ها در واکنش به ممنوعیت ورود کارمندان زن به وظایفشان این کار را انجام داده‌اند؛ اما گفته می‌شود که این کار براساس یک پلان منظم صورت گرفته است.»

منبع این احتمال را نیز می‌دهد که سفارت عربستان سعودی در کابل ممکن است در پی افزایش تهدیدهای امنیتی تخلیه شده باشد.

به گفته منبع، کارمندان سفارت عربستان سعودی در یک پرواز توسط شرکت هوایی کام‌ایر به ریاض منتقل شده‌اند.

از سوی دیگر، منبع می‌گوید: «ظاهراً عربستان سعودی در پی نادیده گرفتن تعاملات ریاض پس از ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ از سوی طالبان، نسبت به این گروه، خشمگین شده است.»

به گفته منبع، طالبان انتظار دارند که در جریان چند روز آینده و در پی مذاکراتی، فعالیت سفارت عربستان سعودی در کابل از سر گرفته شود.

گفته می‌شود که طالبان ظاهراً آماده سپردن تضمیناتی به عربستان سعودی برای بازگشایی سفارتش شده‌اند.

منبع همچنان دلیل بسته شدن این سفارت را عدم مراعات موازنه طالبان با دولت قطر کرده است. با این حال، دولت عربستان سعودی و گروه طالبان در این مورد به گونه رسمی اظهار نظری نکرده‌اند.

عربستان در دهه نود از نخستین کشورهای عربی بود که رژیم طالبان را به رسمیت شناخت؛ اما اکنون در مقایسه با کشورهایی چون قطر و امارات متحده عربی سازگاری چندانی با طالبان ندارد.

منبع می‌افزاید: «ظاهراً سعودی‌ها در واکنش به ممنوعیت ورود کارمندان زن به وظایفشان این کار را انجام داده‌اند؛ اما گفته می‌شود که این کار براساس یک پلان منظم صورت گرفته است.»



اعتراضات زنان و دگرگونی تاریخ مذكر

پس از سرنگونی دور نخست رژیم طالبان و روی کار آمدن نظام جمهوری، زنان در عرصه‌های مختلف میدان‌دار شدند، اما همچنان از بازی‌های کلان قدرت و سیاست، از تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مهم محروم بودند و بیشتر در نقش مشاور و مامور اجرای وظیفه کرده‌اند. از آنجایی که نظم مبتنی بر قانون شکل گرفته بود و قانون پشتی‌بان زنان بود، توانستند به مدارج عالی از تحصیل و تجربه برسند و در عرصه‌های مختلف حضور خویش را ثابت کنند.



مقطعی از تاریخ افغانستان زنان به این پیمان‌ها در مقابل دگم‌اندیشی، ستم و تبعیض ایستاد نشده‌اند. آن‌ها بیم جان سپردن، زندان و زولانه شدن و تحقیر و توهین طالبان را به جان خریدند، اما نهراسیدند. روایتی از جنس بیداری جامعه و بیزاری از بنیادگرایی خلق کردند و تاریخ را از حالت تسلسل مذكر آن خارج ساختند. زنان امروز به رغم حذف، خانه‌نشینی و مواجه بودن با انواع تهدیدات، از حاشیه به متن تاریخ آمده‌اند. اگر زنان در برابر رژیم طالبان نمی‌ایستادند، قربانی نمی‌دادند، فداکاری نمی‌کردند و بر پویایی و آگاه‌مندی اعتراضات رهایی‌بخششان پا نمی‌فشاردند، مسلماً امروز وضعیت به گونه دیگر رقم می‌خورد. امروز زنان به رغم حذف از حوزه عمومی زنده‌گی، محور تمام گفت‌وگوها و نشست‌های بین‌المللی با طالبان را تشکیل می‌دهند. این بیداری و بیزاری زنان از طالبان است که عمر حاکمیت این گروه را کوتاه‌تر می‌کند، هرچند هنوز راه دور و آینده ناروشن است. با این حال هر آن چه در این مسیر به وقوع به پیوندد و تحول و دگرگونی به میان می‌آید، زنان عامل قابل حساب این تغییر خواهند بود. تاریخ پساتالبان، تاریخی خواهد بود که تنها مردان در آن نقش‌آفرین نبوده، بلکه در آن مبارزات زنان با خط درشت نوشته خواهد شد. زنان امروز بخشی از قوه محرک و تولید نیرو برای رهایی‌اند.

وجود خارجی داشته، مخفی، مرموز و مردزده بوده و سیاست مردانه، زن را به‌عنوان یک انسان درجه دو و موجود بدون حق و نظر خواسته است. پس از سرنگونی دور نخست رژیم طالبان و روی کار آمدن نظام جمهوری، زنان در عرصه‌های مختلف میدان‌دار شدند، اما همچنان از بازی‌های کلان قدرت و سیاست، از تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مهم محروم بودند و بیشتر در نقش مشاور و مامور اجرای وظیفه کرده‌اند. از آنجایی که نظم مبتنی بر قانون شکل گرفته بود و قانون پشتی‌بان زنان بود، توانستند به مدارج عالی از تحصیل و تجربه برسند و در عرصه‌های مختلف حضور خویش را ثابت کنند. در سوی دیگر زنان و دختران که سال‌ها از نعمت آموزش و دانش محروم بودند، با شوق پایان‌ناپذیری وارد دانشگاه‌ها شدند. این امر بر دانایی، بیداری و آگاهی زنان افزود و سبب شد که با ورود طالبان، زنان با شهامت و دلیری، پرچم اعتراض و ایستادگی را برافرازند، خیابان‌ها را سرشار از اعتراض کنند، چشم در چشم مقابل جنگ‌جویان قهار و آماده انتحار طالبان از حق زن و آزادی سخن بگویند و گویی برای همه خفته‌گان شوند. به یمن آن فداکاری، جسارت و برابری‌طلبی، مشعل اعتراض، شعور و بیداری بعد از هژده ماه همچنان فروزنده، درخشنده و تابنده مانده است. بنابراین می‌توان گفت که در هیچ

سرزمینی را که امروز افغانستان می‌نامند، تاریخ پرتناقض و پرتشنج دارد. در این تاریخ حادثه‌ها، اتفاقی‌ها و رویدادهای بی‌شماری رخ داده که به شهادت خود تاریخ، همه



امین کاوه

مذکر بوده است. با شکل‌گیری جغرافیایی به نام افغانستان، این وقایع با تصمیم‌ها، شمشیرزنی‌ها، لشکرکشی‌ها، قساوت‌ها و عطفوت‌های مردانه خلق شده است. با نگاه عاری از تبعیض و مبتنی بر خرد انتقادی به تاریخ افغانستان، می‌توان ادعا کرد که در این تاریخ، همیشه مردان وارد میدان بوده‌اند و اگر ستم و تبعیض روا داشته شده یا کلمه‌نارها ساخته شده، توسط مردان صورت گرفته است. مردان بوده‌اند که در تاریخ نقش‌آفرینی کرده‌اند. مردان در آوردگاه‌ها به صف‌آرایی رفته، در جنگ ایدیولوژی‌ها مردم را کشته، شهروندان را به خودی و غیرخودی تقسیم کرده و سیاه را سفید و سفید را سیاه دیده‌اند. همین اکنون تاریخ و بستر وقوع حوادث به شدت مردانه و با تمرکز بر ایدیولوژی مردانه و زن‌ستیزانه است. بدون اتهام بستن و فراقکنی، اگر تاریخ را ورق بزنید، می‌بینید که مردان به خاطر فرونشینی عطش قساوت و دگم‌اندیشی خود باغ‌ها را به آتش کشیده، سرزمین‌ها را سوختانده، خود را انتحاری کرده و گاه سخنی اگر از ترقی و تعالی به میان آمده، نیز مردان نقش‌آفرین بوده‌اند. به سخن دیگر، مسبب نیکی و بدی در تاریخ مردان بوده‌اند. زن در این‌جا اجازه نقشی‌آفرینی نیافته است. از همین دلیل است که تاریخ افغانستان را تاریخ مذكر می‌گویند. مرد بزرگ‌ترین سازنده این تاریخ، چه در بعد مثبت و چه در بعد منفی، است. تمام تاریخ معاصر بیانگر این امر است که کدام مرد به قدرت رسیده است، چگونه کشته شده یا فرار کرده است. حداقل تاریخ ۵۰ سال گذشته شاهد این مدعا است که مردی پیمان می‌بندد و عهد می‌شکند، مردی سند تاریخی امضا می‌کند، مردی خاک می‌فروشد، مردی فرار می‌کند، مردی قهرمان می‌شود، مردی دزدی می‌کند، مردی به دار آویخته می‌شود و فراوان سخن از این نوع وجود دارد که نشان می‌دهد آفریننده و بازیگر تاریخ معاصر افغانستان مردان بوده‌اند و زنان در روایت غالب تاریخ و حتا به شکل نمادین هم قهرمان یا قاتل تاریخ نبوده‌اند. واقعیت این است که زن افغانستانی در گذشته تاریخی وجود خارجی نداشته است. اگر

رییس کل دادگستری فارس ایران: هر پنج متهم حمله به شاه‌چراغ تبعه یکی از کشورهای همسایه‌اند

او افزوده است که متهمان با رصد اطلاعاتی و همکاری مشترک نهادهای امنیتی و اطلاعاتی در شهرهای مختلف ایران بازداشت شده و تمام آنان تبعه یکی از کشورهای همسایه‌اند. موسوی اما جزئیات بیشتر در مورد هویت متهمان نداده است. گفتنی است که در اثر حمله به حرم شاه‌چراغ ۱۳ تن جان باخته و ۳۰ تن دیگر زخمی شدند. مسوولیت این رویداد را گروه داعش برعهده گرفت.

رییس کل دادگستری فارس ایران گفته است که هر پنج متهم حمله به حرم شاه‌چراغ، تبعه یکی از کشورهای همسایه‌اند و پرونده آن‌ها به دادگاه ارسال شده است. خبرگزاری ایرنا روز یکشنبه، ۱۶ دلو، با نشر گزارشی نوشته که کاظم موسوی، رییس کل دادگستری ولایت فارس گفته است: «پس از صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه انقلاب اسلامی شیراز پنج متهم این حادثه به‌زودی پای میز محاکمه حاضر خواهند شد.»

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محقق
سردبیر: حسیب بهش
مسوول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

۸ صبح
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media
Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media
Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

رسانه‌های پاکستان گزارش داده‌اند که پرویز مشرف، رییس جمهور پیشین این کشور، درگذشته است. جیونبوز روز یکشنبه، ۵ فروردی، گزارش داده که رییس جمهور پیشین پاکستان به علت بیماری در یک شفاخانه امریکایی در امارات متحده عربی وفات کرده است. پرویز مشرف در سال ۱۹۹۹ در یک کودتای نظامی در پاکستان به قدرت رسید و ۹ سال در رأس دولت این کشور قرار داشت. او در ۱۸ اگست سال ۲۰۰۸ میلادی در یک سخنرانی تلویزیونی استعفايش را از ریاست جمهوری پاکستان اعلام کرد. پرویز مشرف پس از تحولات سیاسی در پاکستان به بیرون از این کشور پناهنده شد و در سال‌های آخر عمرش از بیماری خطرناک آمیلوئیدوز رنج می‌برد.

خامنه‌ای برای دهها هزار زندانی فرمان عفو و تخفیف در مجازات صادر کرد

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر مذهبی ایران، با پیشنهاد قوه قضاییه این کشور مبنی بر عفو و تخفیف در مجازات متهمان و محکومان حوادث اخیر در این کشور، موافقت کرده است. خبرگزاری ایرنا روز یکشنبه، ۵ فروردی، گزارش داده است که در پی پیشنهاد رییس قوه قضاییه به آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر موافقت با عفو و تخفیف مجازات جمع قابل توجهی از متهمان و محکومان حوادث اخیر و همچنان محکومان دادگاه‌های عمومی و انقلاب، و سازمان قضایی نیروهای مسلح، با این پیشنهاد موافقت کرده است. رهبر مذهبی ایران در نامه‌ای نوشته است: «در جریان حوادث اخیر، تعدادی از افراد به‌ویژه جوانان در اثر القانات و تبلیغات دشمن، مرتکب رفتارهای نادرست و جرایمی شدند که علاوه بر گرفتاری برای خود، باعث زحمت خانواده و نزدیکان خویش گردیدند و اکنون تعداد قابل توجهی از آنان بعد از بر ملا شدن نقشه دشمنان خارجی و جریان‌های ضد انقلاب و ضد مردمی، با اظهار پشیمانی و ندامت تقاضای بخشش دارند.»

خامنه‌ای در نامه‌اش شرایطی را برای این عفو و تخفیف بیان کرده است که بر مبنای آن عدم ارتکاب جاسوسی به نفع «جانب»، عدم ارتباط مستقیم با عوامل سرویس‌های اطلاعاتی خارجی، عدم ارتکاب قتل و جرح عمدی، عدم ارتکاب تخریب و احراق تاسیسات دولتی، نظامی و عمومی و نداشتن شاکی یا مدعی خصوصی، جرایمی‌اند که از این عفو و تخفیف مستفید نمی‌شوند.

این در حالی است که در ماه‌های اخیر و پس از آغاز اعتراضات شهروندان ایران در شهرهای مختلف این کشور، شمار زیادی از شهروندان توسط نیروهای امنیتی ایران بازداشت شده‌اند.

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر مذهبی ایران، با پیشنهاد قوه قضاییه این کشور مبنی بر عفو و تخفیف در مجازات متهمان و محکومان حوادث اخیر در این کشور، موافقت کرده است. خبرگزاری ایرنا روز یکشنبه، ۵ فروردی، گزارش داده است که در پی پیشنهاد رییس قوه قضاییه به آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر موافقت با عفو و تخفیف مجازات جمع قابل توجهی از متهمان و محکومان حوادث اخیر و همچنان محکومان دادگاه‌های عمومی و انقلاب، و سازمان قضایی نیروهای مسلح، با این پیشنهاد موافقت کرده است. رهبر مذهبی ایران در نامه‌ای نوشته است: «در جریان حوادث اخیر، تعدادی از افراد به‌ویژه جوانان در اثر القانات و تبلیغات دشمن، مرتکب رفتارهای نادرست و جرایمی شدند که علاوه بر گرفتاری برای خود، باعث زحمت خانواده و نزدیکان خویش گردیدند و اکنون تعداد قابل توجهی از آنان بعد از بر ملا شدن نقشه دشمنان خارجی و جریان‌های ضد انقلاب و ضد مردمی، با اظهار پشیمانی و ندامت تقاضای بخشش دارند.»

خامنه‌ای در نامه‌اش شرایطی را برای این عفو و تخفیف بیان کرده است که بر مبنای آن عدم ارتکاب جاسوسی به نفع «جانب»، عدم ارتباط مستقیم با عوامل سرویس‌های اطلاعاتی خارجی، عدم ارتکاب قتل و جرح عمدی، عدم ارتکاب تخریب و احراق تاسیسات دولتی، نظامی و عمومی و نداشتن شاکی یا مدعی خصوصی، جرایمی‌اند که از این عفو و تخفیف مستفید نمی‌شوند.

این در حالی است که در ماه‌های اخیر و پس از آغاز اعتراضات شهروندان ایران در شهرهای مختلف این کشور، شمار زیادی از شهروندان توسط نیروهای امنیتی ایران بازداشت شده‌اند.



در آتش سوزی‌های جنگلی در شیلی ۲۳ تن جان باختند

رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که آتش‌سوزی‌های جنگلی در شیلی جان ۲۳ تن را گرفته است. الجزیره روز یکشنبه، ۵ فروردی، گزارش داده که دهها جنگل در شیلی آتش گرفته است. بر بنیاد اطلاعات نشر شده، مقام‌های محلی وضعیت اضطراری را روز شنبه به منطقه آراکانیا در کنار مناطق بیوبیو و نوبل گسترش داده‌اند. گفته می‌شود که قرار است ارتش شیلی برای مهار آتش‌سوزی بسیج شود. کارولینا توه، وزیر داخله شیلی، به خبرنگاران گفته است: «شرایط آب‌وهوایی سبب گسترش دامنه آتش‌سوزی شده است. ما باید وضعیت را تغییر دهیم.» گابریل بوریک، رییس جمهور شیلی، تعطیلات تابستانی‌اش را نیمه‌تمام گذاشته و به بیوبیو و نوبل سفر کرده است تا از کمک‌های همه‌جانبه به آسیب‌دیده‌گان اطمینان حاصل کند. هر چند هنوز علت آتش‌سوزی در شیلی معلوم نیست، اما مقام‌های ارشد این کشور عمدی بودن این آتش‌سوزی را رد نکرده‌اند. شیلی از کشورهای امریکای جنوبی است.

چین حمله نظامی امریکا بر بالون غیرنظامی‌اش را محکوم کرد

بر بنیاد گزارش‌ها، پس از حمله امریکا بر یک بالون غیرنظامی و بی‌سرنشین چین، وزارت امور خارجه این کشور این حمله را محکوم کرده و افزوده است که بالون هوایی غیرنظامی بدون سرنشین یک بالون تحقیقاتی هواشناسی بوده که تصادفی به حریم هوایی امریکا وارد شده بود. رسانه‌های بین‌المللی روز یکشنبه، ۵ فروردی، این موضوع را به نقل از وزارت امور خارجه چین گزارش داده‌اند. از جانبی، تان که فی، سخنگوی وزارت دفاع چین نیز گفته است که حمله امریکا بر بالون چینی، با استفاده از زور آشکار صورت گرفته و واکنش بیش از حد به شمار می‌رود. وی افزوده است: «ما اعتراض شدید خود را نسبت به این رفتار امریکا ابراز می‌کنیم و در صورت لزوم حق توسل به اقدام لازم برای حوادث مشابه را محفوظ می‌داریم.» این در حالی است که ایالات متحده امریکا یک بالون بزرگ چینی که گفته سرگرم تجسس بر سایت‌های مهم نظامی این کشور بود را سرنگون کرده است. وزارت دفاع امریکا تایید کرده که جنگنده‌های این کشور، بالون را در آب‌های ساحل شرقی این کشور سرنگون کرده است. رسانه‌های امریکایی گزارش داده که در جریان این عملیات، سه فرودگاه تعطیل شده و آسمان دو ایالت کارولینای شمالی و جنوبی هم بسته شده‌اند. چین گفته که این بالون یک ابزار هواشناسی است که در اثر وزش باد منحرف شده بود. این موضوع سبب تنش میان امریکا و چین شده است و به دنبال آن، آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا، سفرش را به چین به تعویق انداخت.



تمدید دهساله توافق نامه علم و فناوری میان امریکا و کوریای جنوبی

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا، از تمدید توافق‌نامه علم و فناوری میان این کشور و کوریای جنوبی برای ده سال دیگر خبر داده است. وزیر امور خارجه امریکا شنبه‌شب، ۴ فروردی، در توییتی گفته که این توافق‌نامه از سوی او و پارک جین، همتای کوریایی‌اش، امضا شده است. بلینکن نوشته است: «من و پارک جین، وزیر امور خارجه کوریای جنوبی، پروتکل اصلاح و تمدید توافق‌نامه علم و فناوری را امضا کردیم.»

بر پایه اطلاعات وزیر امور خارجه امریکا، با اصلاح و تمدید توافق‌نامه یاد شده، همکاری میان دو کشور در زمینه علم و فناوری تقویت خواهد شد. جزئیات بیشتری در مورد این توافق‌نامه نشر نشده است. گفتنی است که کوریای جنوبی از متحدان استراتژیک امریکا در آسیا به‌شمار می‌رود.



امریکا به ترکیه در زمینه صادرات کالا به روسیه هشدار داد

خزانه‌داری ایالات متحده است، خواستار همکاری انقره برای جلوگیری از صادرات به روسیه شده است. معاون وزارت خزانه‌داری امریکا هشدار داده است که صادرات کالا به روسیه، بانک‌ها و شرکت‌های ترکیه را در برابر «تحریم» و «حیثیت‌شان» آسیب‌پذیر می‌کند. به گفته وی، بانک‌ها و شرکت‌های ترکیه ممکن است که دسترسی به بازار کشورهای عضو گروه هفت را از دست بدهد. ترکیه هر چند یکی از ۳۰ کشور عضو سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) است، اما با تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه از سوی کشورهای غربی مخالف است. انقره تاکید می‌کند که این تحریم‌ها را دور نمی‌زند و خواستار رایبه شواهد از سوی کشورهای غربی مبنی بر نقض تحریم‌ها شده است.

بر بنیاد گزارش‌ها، دولت امریکا طی روزهای گذشته به ترکیه درباره صدور مواد شیمیایی، «ریزتراشه» و دیگر کالاها به روسیه، هشدار داده است. رسانه‌های بین‌المللی روز یکشنبه، ۵ فروردی، گزارش داده‌اند که واشنگتن بر این باور است که صدور این اجناس به روسیه می‌تواند به مسکو در جنگ اوکراین کمک کند. ایالات متحده در همین راستا به انقره اعلام کرده که ممکن است بانک‌ها و شرکت‌هایی که تحریم‌ها علیه روسیه را نقض می‌کنند، مجازات شود. برایان نلسون، معاون وزارت خزانه‌داری امریکا، روزهای پنجشنبه و جمعه با مقام‌های دولت ترکیه و مدیران برخی شرکت‌های خصوصی این کشور دیدار کرد. او که مسوول امور تروریسم و اطلاعات مالی در وزارت

